



omid
امید



The 20th international theater festival
for the children and youth of Hamedan

شماره‌ی چهار ▪ ۲۸ مهرماه ۱۳۹۲
بیستمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان - همدان



کار کردن برای
کودک و نوجوان
باید از دل
صورت پذیرد



هنر دینی آنست که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه، دین مبین اسلام - به نشر آن در میان انسانها همت گماشته اند و جان های پاکی در راه این نشر این حقایق تثار شده است را نشر بدهد.
 مقام معظم رهبری




مهم ترین عامل رشد آموزش های تئاتری، احساس ضرورت و نیاز است

آقای خسرو بیات، مدیر اجرایی جشنواره

ارزیابی شما از بیست سال برگزاری جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان چگونه است؟

بدیهی است که به طور طبیعی، هر زُخدادی در گذر از زمان، مسیر رُشد و تعالی را طی می کند. جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان هم، از این قاعده مستثنا نیست. اگر نگاهی گذرا به جشنواره های اول تا بیستم ببینیم، متوجه می شویم که این جشنواره، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، با تحول و پیشرفتی جهشی مواجه بوده است. برای مثال؛ تعداد گروه های متقاضی برای شرکت در جشنواره، از ۱۲ گروه، امروزه به حدود ۲۰۰ گروه رسیده. و همچنین بخش های متفاوتی به جشنواره اضافه شده، که آن را به سوی زُخدادی کاملا تخصصی در حوزه ی تئاتر کودک و نوجوان، سوق داده است. و این اتفاق، هرساله و در هر دوره از جشنواره، کاملا مشهود است. مثلاً؛ سال گذشته بخش کودک از نوجوان جداسازی شد، و امسال بخش تئاتر خردسالان، به جشنواره اضافه گردید.

به نظر شما، تاسیس مجموعه ی تئاتر شهر استان، چه تاثیری در پیش برد اهداف هنر نمایش در همدان دارد؟

تجهیز و گسترش زیرساخت ها و سخت افزارها در هر حوزه ای، زمینه ساز رُشد و بالنده گی بخش های نرم افزاری است. تاسیس تئاتر شهر همدان، ضمن کسب اعتبار برای تئاتر و اهالی آن در استان، بستر لازم و مناسب برای اجرای بیشتر و بهتر تولیدات نمایشی را هم، مهیا کرده است. به ویژه که پلاتوی این مجموعه، به لحاظ سالن و صحنه و تجهیزات نوری و صوتی، از استاندارد لازم برخوردار است، و این امر باعث شده که این پلاتو، یکی از مکان های ویژه برای اجرای نمایش های جشنواره ی بیستم شود.

به نظر شما، برای فرهنگ سازی آموزش در تئاتر کودک و نوجوان، چه باید کرد؟

به نظر می رسد مهم ترین عامل رُشد و توسعه در زمینه ی آموزش های تئاتری، به ویژه آموزش برای دست اندر کاران تئاتر کودک و نوجوان، احساس ضرورت و نیاز در بین هنرمندان این رشته است. که اگر چنین نباشد، هیچ ساز و کار و تمهیدی، نمی تواند آن گونه که باید، چاره ساز باشد. اما اگر نویسنده گان، کارگردانان، بازیگران و سایر عوامل دست اندر کار این گونه از نمایش، احساس نیاز به آموزش را باور کنند، بدیهی است که شرایط برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی برای ایشان، آماده و مهیا خواهد شد.

چه تمهیداتی برای برگزاری هر چه باشکوه تر این جشنواره، اتخاذ شده است؟

باتوجه به توانمندی نیروهای استان، چه در کادر اداری و چه در میان هنرمندان رشته ی نمایش، و هم چنین

مشارکت خوب سایر دستگاه ها، با سامان دهی کمیته های متفاوت اجرایی، ما هیچ گونه نگرانی در برگزاری گسترده و شکوهمند جشنواره نداریم. چراکه تجربه در همه ی رده های اجرایی اداره ی کل و اصحاب نمایش همدان، دست آورد مهمی در برگزاری جشنواره است، که طی سالیان سال، به دست آمده. بنابراین، برگزاری جشنواره در ۸ بخش، ۷ سالن، با حضور ۴۰ گروه نمایشی و ۴۰۰ میهمان، حتما نوبد بخش برگزاری این جشنواره است.

سهام هنرمندان رشته ی نمایش همدان، در برگزاری جشنواره چگونه است؟

ما هم چنان به روال دوره های پیشین، مشارکت همه ی هنرمندان تئاتر همدان در برگزاری جشنواره را، در دستور کار قرار داده، و تا آن جا که قوانین و مقررات اجازه می دهد، کار را به این عزیزان سپرده ایم. مدیریت سالن ها، تحریریه ی روزنگار جشنواره، داوران کودک و نوجوان، مراسم افتتاحیه و اختتامیه و سایر بخش ها، به طور کلی، در دست بچه های تئاتر است.



جشنواره ی تئاتر فرصتی مناسب برای تبادل تجربیات و اطلاعات است

ابراهیم کارخانه ای، فرهنگ و هنر را بنیان هر جامعه ای خواند و افزود: «تئاتر یکی از ابزارهای انعکاس فرهنگ غنی ایران است، که باید مورد توجه قرار گیرد». وی با تأکید بر برگزاری چند دوره ی موفق جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در همدان، گفت: «ظرفیت های فرهنگی همدان بالاست، و این جشنواره یکی از داشته های فرهنگی استان محسوب می شود». نماینده ی مردم همدان و فامنین در مجلس شورای اسلامی افزود: «جشنواره ی تئاتر، فرصت مناسبی برای گرد آمدن هنرمندان و اهالی هنر است، تا ضمن تبادل تجربیات و اطلاعات، با ابتکارها و ابداعات جدید روبه رو شوند». وی ایجاد فرهنگ سرا در مناطق مختلف، به ویژه حاشیه ی شهر را، یکی از مسائل ضروری دانست و گفت: «این امر باعث آشنایی مردم، با هنر تئاتر می شود». کارخانه ای با بیان این که هنر تئاتر، باید در مدارس مورد توجه قرار بگیرد، تأکید کرد: «اگر کودکان و نوجوانان را با هنر تئاتر و انتقال آموزه های دینی از طریق این هنر آشنا سازیم، می توانیم در آینده ی جامعه، تأثیرگذار باشیم».

با معاون محترم برنامه ریزی استاندار آقای حسن خیریان پور



معاون برنامه ریزی استاندار همدان تأکید کردند: «جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، جریانی است هنری، که به رُشد فرهنگی خانواده ها، کودکان و نوجوانان کمک شایسته ای می کند. کار کردن برای نسل کودک و نوجوان جامعه، باید از دل و جان صورت بگیرد، و ورود به این وادی، با شناخت و آگاهی کافی باشد». خیریان پور بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان را به لحاظ رُشد کمی و کیفی، چشم گیر دانست و با توجه به گشایش بخش های خردسال، کودک و بخش تئاتر استان همدان در این دوره، به حضور ۹ گروه نمایشی از کشورهای خارجی در جشنواره اشاره نمود، و حضور قابل توجه این گروه ها در جشنواره را، نشان اعتبار و اهمیت این زُخداد هنری در همدان دانست. وی اضافه کرد: «باتوجه به پیشینه ی فرهنگی و توانمندی های ارزش مند در بین هنرمندان استان، می توان امیدوار بود که سالیان سال، جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در همدان، رُشد و شکوفایی بیشتری داشته باشد». معاون برنامه ریزی استاندار همدان، در پایان ضمن سپاس از همه ی هنرمندان داخلی و خارجی حاضر در این جشنواره، و متولیان برگزار کننده، اعلام نمود که، شهر و استان همدان با تمام توان و امکانات، در راستای برگزاری شکوهمند این زُخداد هنری، آماده و مهیاست.



آقای علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



بعد از جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر، جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، پُرسابقه ترین و قدیمی ترین جشنواره ی تئاتری کشور است، که امسال شاهد برگزاری دوره ی بیستم آن هستیم. در سال های اخیر، این جشنواره ثبت جهانی و بین المللی شده، و البته از همه مهم تر، به زادگاه اصلی فود، یعنی شهر همدان بازگشته. مالا می شود گفت که بعد از پندسال بی برنامه گی و از این شهر به آن شهر رفتن، جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، به ثباتی نسبی رسیده و اعتبار گذشته اش را دوباره به دست آورده. از منظر شما، چه باید کرد و چه راه کاری را باید سرمشق قرار داد، تا این رویداد معتبر هنری، هم پیمان به روند رو به رشد فود ادامه دهد؟

یعنی شما اعتقاد دارید که این جشنواره، روند رو به رشدی داشته؟ اگر این گونه بوده، ما به طور قطع همان مسیر را ادامه می دهیم و از چنین اتفاقی استقبال هم می کنیم. طبیعی است که با این فرض، وظیفه ی ما کاهش نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت ادوار گذشته ی جشنواره است، تا روزبه روز به شرایط مطلوب و آرمانی اش نزدیک تر شود. به گمان من، مهم ترین وظیفه ی چنین جشنواره ای، کشف استعداد های آتی تئاتر کودک و نوجوان کشور، و البته کمک به شکوفایی آن ها است. چرا که این رویداد هنری در حوزه و عرصه های فعالیت می کند، که چه به لحاظ محتوا و مضمون، و چه در شکل های اجرایی، نگاه ویژه ای به آینده دارد. بنابراین، اگر مطابق سوال شما، این جشنواره توانسته باشد به درستی به این مسائل پرداخته، و همچنان ماموریت اش را به خوبی انجام دهد، باید حمایت شود و به کارش ادامه دهد. البته به شرط آن که، همیشه بر پایه ی یک قانده و اساسنامه ی از پیش تعیین شده و مشخص فعالیت کند، و مانند بسیاری از جشنواره های معتبر دنیا، چهارچوب و شناسنامه ی معین و شناخته شده ای داشته باشد.

به نظر شما، جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در ادوار گذشته، جشنواره ی موفق بوده؟ اصلا با توجه به جایگاه و وضعیت این گونه ی تئاتری در کشور، ضرورتی برای برگزاری آن می بینید؟

در حال حاضر نمی توانم به این سوال پاسخ مشخصی بدهم. بگذارید کمی زمان بگذرد تا ببینیم که در چندسال اخیر - و به خصوص در دوره ی پیش رو - جشنواره بر چه اساس و فکر و سیاستی برنامه ریزی شده. آن وقت است که ما می توانیم همه ی جوانب را بررسی کنیم و اگر نیاز به اصلاح و بازنگری، و یا تقویت و حمایت بیشتر داشت، این کار را انجام دهیم. ما فعلا جلوی هیچ جشنواره ای را نگرفته ایم، تا ببینیم که مسئولین قبلی، چه سیاست و هدفی را دنبال می کرده اند، و برنامه ی مورد نظرشان چه بوده، تا بتوانیم از این راه، با آگاهی بهتر و بیش تری به این مقوله ورود کنیم.

به طور کلی، نمایش کودک و نوجوان و در کنار آن، جشنواره ی مطبوعه اش، چه جایگاهی در سیاست کاری شما دارد؟

ما برای هر کار و فعالیتی، در هر زمینه و مقوله ای، به یک جریان پشتیبانی کننده نیاز داریم. بعضی از این جشنواره ها و رویدادهای این جنبی، جریان حمایت گر و پشتیبانی کننده ای برای حوزه ی

کاری مورد هدفشان به حساب می آیند. حال در این خصوص، اگر جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، بتواند، و توانسته باشد ماموریت اش را به درستی انجام دهد، به طور قطع، سیاست ما حمایت از آن است. چرا که وجود چنین جریانی را - با خصوصیات ذکر شده - در جایگاه و مقام بالا و در خور توجه ای می دانیم.

از دید شما، تئاتر کودک و نوجوان چه جایگاهی در جامعه و نظام اجتماعی ما دارد، و یا می تواند داشته باشد؟

به تصور من، افراد در خانواده ها، سلول هایی هستند که بافت و فضاهای کوچک اجتماعی را تشکیل می دهند. در قایب بزرگ تر، این سلول ها باید با هم هارمونیزه و بهم پیوسته شوند، تا بتوانند جامعه ی بزرگ تری را تشکیل دهند. این ها اجزای اندام بیولوژیک جامعه هستند، و باید به یک هژمونی دقیق و دُرستی باهم برسند و به خوبی هم تراز و هم گن شوند. این باعث می شود که در آینده، شاهد کاهش و از بین رفتن شکاف های فرهنگی در جامعه باشیم. برای رسیدن به چنین هدفی، ما به تئاتر، سینما، موسیقی و هنرهای از این دست در حوزه ی کودک و نوجوان، نیازمندیم. چرا که تئاتر مقوله ی بسیار مهمی است، که می تواند در این هژمونی وارد شود و در فرآیند یک نواخت سازی و هم تراز سازی، خود را به عنوان یک پیام دار مطرح کرده، ما را به توسعه ی فرهنگی - به معنای درست اش - در آینده ای نه چندان دور امیدوار کند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، افراد جامعه ی ما از سنین پایین، به واقعیت های موجود در بطن تئاتر، و رسالت ها و گستره ی اثر گذاری هایش پی خواهند برد، و به تبع آن، می توانند در آینده، به راحتی از آن استفاده کنند و آهسته آهسته، در چرخه ی ارتقاء سطح فرهنگی جامعه قرار بگیرند.

در تمام دنیا، جشنواره ها با نام شهری که در آن برگزار می شوند هویت پیدا می کنند. اما در ایران با مکایت دیگری (رویه ره هستیم؛ همیشه نمی شود با قاطعیت گفت که فلان جشنواره متعلق به فلان شهر است؛ به طور مثال؛ قاطعانه نمی گوئیم «جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان»، همیشه یک فضا تیره بین عنوان جشنواره و شهری که در آن برگزار می شود، هست. در خصوص جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، عده ای - از جمله، آقای کرمی دبیر فعلی جشنواره - بر این عقیده اند که باید از سال آینده، این جشنواره به صورت بومی برگزار شود؛ یعنی که دبیر، عوامل اجرایی و سایر مسئولیت ها و سیاست گذاری ها، به طور کامل بر عهده ی شهر همدان باشد. به نظر می رسد که چنین پیشنهادی، برای ثبات جشنواره مطرح می شود. شما در این خصوص چه نظری دارید؟

متاسفانه ما همیشه دچار افراط و تفریط هایی هستیم. معنای بومی شدن این نیست! این نیست که از افکار و توان دیگران استفاده نکنیم و تنها به کسانی که در آن شهر و یا استان هستند، بسنده کنیم. برای بومی شدن، دلیلی ندارد که همه چیز یک رویداد هنری را به شهر محل برگزاری اش واگذار کنیم؛ برای برگزاری یک جشنواره ی خوب و پویا، باید از تمام ظرفیت ها - حتی در خارج از مرزها - استفاده شود. نمی شود که به طور مثال؛ اگر فرد پاسواد و توانایی برای سپردن مسئولیتی در کشور وجود دارد و بهتر از بومی هاست، به صرف این که شناسنامه اش متعلق به شهر و یا استان محل برگزاری جشنواره، و یا ساکن آن جا نیست، به راحتی از کنار نامش بگذریم و آن مسئولیت را، به فردی پایین تر و کم سوادتر از قبلی، که صرفا اهل آن شهر و یا استان است، بسپاریم. بومی شدن به این معناست که یک رویداد، در درون آن جامعه، خودش را به عنوان یک مقوله ی آشنا و شناخته شده مطرح کند. به گونه ای که بعد از مدتی، نسبتی میان آن رویداد خاص و محل برگزاری اش - از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی - به وجود بیاید. آن وقت است که می توان گفت آن رویداد بومی شده است. البته در خصوص جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، هیچ

اشکالی ندارد که افراد بومی، بیش ترین فعالیت و نقش را در برگزاری جشنواره داشته باشند، اما با چنین بهانه ای، نباید از توانایی و امکانات دیگر هنرمندان و مسئولین توانا و نخبه ی غیر بومی در سایر نقاط کشور، دریغ کنیم، حتی اگر این کار، باعث کنار گذاشتن بسیاری از همین افراد بومی شود. نباید مسائل را فدراتیو ببینیم، باید جامع و کلی فکر و عمل کنیم. و گرنه جشنواره دچار محدودیت می شود. به گمان من، مطرح شدن چنین درخواست ها و پیشنهادهایی، بعضی وقت ها به خاطر ترس از بی هویت شدن است؛ یعنی که نمی خواهند جشنواره از این شهر به آن شهر برود و دست به دست شود. طرح این گونه مسائل، مبانی فوییک دارد و از نگرانی نشات می گیرد. چنین نگاهی، جشنواره را محدود می کند. و اگر جشنواره ای محدود شد، مطمئن باشید که احتمال از بین رفتن اش بیش تر از همیشه می شود. پس ما باید وارد جریان های وسیع تری بشویم، تا تلاش مان، و به تبع آن، خروجی کارمان هم، صدچندان شود.

باتوجه به فضای امیدوارکننده ای که در ماه های اخیر در کشور به وجود آمده، و با نیم نگاهی به انتصاب ها و انتفاب های اخیر، که نوید آینده ی روشن تری را می دهد، تئاتر های کشور، و به خصوص هنرمندان موزه ی تئاتر کودک و نوجوان، منتظر چه اقدام مثبت و اثر گذاری از سوی شما در موزه ی کاری شان باشند؟

منظورتان چیست؟ سوال شما چندلایه است. پشت این سوال، «پول» است. یعنی که می خواهید بدانید من چقدر می توانم «پول» و امکانات به سیستم تئاتر تزریق کنم!

نه، فیلی هم مساله ی پول مطرح نیست!

بله. دیدگاه من هم همین است. ما باید بیش تر به سیاست ها توجه کنیم، تا شرایطی فراهم شود که هنرمندان این حوزه، کارشان را بی دغدغه انجام بدهند. ما باید امکانات را به لحاظ کارکردی افزایش دهیم. خب در شرایط فعلی، وضعیت دولت در حوزه ی بودجه مشخص است و خیلی نمی شود از آن انتظار داشت. البته ما امیدواریم و مسائل را پیگیری می کنیم، تا حداقل در زمینه ی بودجه، به شکلی واقعی تر، مسائل را در دولت پی گیری کنیم. دُرست است که در شرایط فعلی، دولت اولویت های مهم تری دارد، اما به هر صورت، ما باید شرایطی را ایجاد کنیم که هنرمندان و گروه های مطبوعه شان، «کار» داشته باشند و بی دغدغه زندگی کنند. واقعیت فعلی جامعه ی ما این است که در سال های اخیر، بخش فرهنگ، نسبت به توسعه اش با جاهای دیگر، خیلی خیلی ضعیف بوده است. و به طور طبیعی، خیلی طول می کشد تا دوباره بتوانیم مسئولین تراز اول کشور را متقاعد کنیم، که بیایند و جدی تر از این سال ها، به مقوله ی فرهنگ بپردازند. ما باید مسائل را مُدام به مسئولین انتقال بدهیم و برای آن ها هم در این حوزه دغدغه ایجاد کنیم. به طور مثال؛ نباید مسئولین هم مانند مردم، ۲۰ روز مانده به یک جشنواره، تباش را بگیرند و تازه یادشان بیفتد که چه خبر است. باید کاری کنیم که مسئولین از خیلی قبل تر، در طول سال، دغدغه ی مسائلی از این دست را پیدا کنند و داشته باشند. و قطعاً، در خصوص هنرمندان فعال در این عرصه هم، ما باید شرایطی را ایجاد کنیم، که جایگاه و عزت و احترام شان حفظ شود، تا با به رسمیت شناخته شدن کار و موقعیت شان، بدون دغدغه، «کار» کنند.

مرف آفری؟

من امیدوارم که بتوانیم طی برنامه های آتی، در کار برنامه ریزی، بودجه و مسائلی از این دست، تحولانی ایجاد، و ساختارهای غلط را اصلاح کنیم. به گمانم به این شکل می توانیم در طول سال های آتی، شاهد تحولات بنیادینی در حوزه ی هنر باشیم، تا هنرمندان و گروه های مطبوعه شان، بتوانند با آرامش خاطر به کارشان بپردازند و خلق اثر کنند. ما باید «آرامش» را به جامعه ی هنرمندان بازگردانیم.

پیام شهر دار همدان، امیر رضا یوسفیان به بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان

پیام



آن‌ها دارد، و ابزار ارزش‌مندی در جهت هدایت ایشان، به سوی تعالی است. به باور من، هر آموزشی که در قالب هنر، بر اوج ضمیر کودک و نوجوان حک شود، غالباً پاک نشدنی است. بنابراین می‌توان از این فرصت، در جهت تعمیق ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در کودکان و نوجوانان استفاده کرد. بهره‌جستن از آموزه‌های شهروندی، بر مبنای آموزه‌های دینی و اخلاقی در قالب هنر نمایش، می‌تواند کودکان ما را به‌سوی مسئولیت‌پذیری و کمال هدایت نموده، اخلاق و رفتار آن‌ها را مقبول و شایسته نماید.

به یقین، بر عهده‌ی همه‌ی نهادهای اجتماعی و فرهنگی است، که نگران سرنوشت آینده‌سازان این مرزوبوم باشند، و با تدبیر و هوشمندی، تلاش و توان کودکان و نوجوانان را در مسیر اعتلای فرهنگی هدایت کنند.

امیدوارم بتوانیم از شاخ‌سار همیشه سرسبز تئاتر کودک و نوجوان، ثمره‌ی دانایی و هوشیاری بچینیم.

خورشید پرفروغ فردای شهر و استان زیبای ما، از دستان کوچک اما پرتوان کودکان و نوجوانان امروز طلوع می‌کند. و به این لحاظ است، که شان و جایگاه آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بی‌تردید، رُشد هر جامعه‌ای، در گرو توجه ویژه و برنامه‌ریزی خاص برای دنیای کودکان است؛ کودکانی که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی انسانی، یعنی «صداقت و راستی» را در وجود خود دارند.

معتقدم در میان هنرهای مختلف، «هنر نمایش» ارتباط زنده و ملموسی با دنیای کودکان دارد. زیرا از یک‌سو، آن‌ها را به مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری رهنمون می‌سازد، و از سوی دیگر، خلاقیت و آفرینش را در آن‌ها تقویت می‌کند.

جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، بستر مناسبی در راستای تکامل و رشد کودکان است، و نقش به‌سزایی در شکوفایی استعدادها و اعتمادبه‌نفس

با مسئول کمیته‌ی پشتیبانی (آقای ابوترابی)

گپ و گفت

وجود این سالن‌ها، در کنار قدمت و پیشینه‌ی همدان، باعث جذب اهالی فرهنگ و هنر می‌شود.

چرا افسردا، تا این اندازه به دیدن نمایش علاقه‌مند شده‌اید؟

متأسفانه علی‌رغم تمایل باطنی، جهت دیدن نمایش‌های مختلفی که در سطح همدان در حال اجرا هستند، وقت کافی برای این کار ندارم. البته در مواقعی که رفتاری‌های کاری اجازه بدهد، با فرزندانم، از نمایش‌های در حال اجرا دیدن می‌کنیم. در این راستا، برگزاری جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر هم، تأثیر به‌سزایی دارد، و باعث شور و نشاط شده، و دلیل بر میل بیش‌تر، برای دیدن نمایش‌ها شده‌است.

چرا تصمیم گرفته‌اید که گروه‌های نمایشی استان را، بعد از جشنواره هم، درست و مسابقی پشتیبانی کنید؟

با عنایت به فرموده‌ی مقام معظم رهبری (هرآن‌چه در قالب هنر ننگند، ماندنی نیست)، و با توجه به زحمات‌های عزیزان هنرمند استان، برای ارائه‌ی مفاهیم انسانی در قالب تئاتر به مخاطبین، خصوصاً کودکان و نوجوانان، می‌طلبید که ما هم در راستای حمایت هرچه بیش‌تر از این عزیزان، حرکت کنیم.

مشارکت دیگر ارگان‌های شهری و استانی همدان، در برگزاری جشنواره، مقدر امیدوارکننده‌است؟

در راستای برگزاری جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، مشارکت و همراهی سایر دستگاه‌ها، با عنایت به پی‌گیری مداوم مقامات استان، از جمله: استاندار محترم، درصدد مشارکت اداره‌ها و سازمان‌ها، بسیار بالا و تعیین‌کننده بوده است و با تشکیل سلسله‌نشست‌هایی، جلسات هماهنگی تشکیل می‌شود. در نهایت، در برگزاری جشنواره‌ی با این ابعاد، می‌بایست به خداوند متعال امید داشت، و به توان و زحمات‌های کارکنان و کارشناسان محترم اداره‌ی کل ارشاد دل بست.

برای جلب رضایت منطقی هنرمندان حاضر در جشنواره، چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

تا به آن‌جا که به حوزه‌ی پشتیبانی ارتباط دارد، سعی شده که در چهارچوب قوانین و مقررات، حداکثر همکاری با عزیزان هنرمند به‌عمل آید.

وضعیت همدان به‌لحاظ توان‌مندی و امکانات، در برگزاری جشنواره‌ی بیستم را، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به حمدالله... استان همدان به جهت زیرساخت‌های فرهنگی و اداری، توانمندی‌های بسیاری دارد. همدان دارای سالن‌های استاندارد و زیبایی‌است، که برای برگزاری جشنواره‌های متعدد در سطوح مختلف، طراحی شده‌اند.



۳



رکسانا مهر افزون

متولد ۱۳۵۵ | تهران

فارغ‌التحصیل رشته‌ی عکاسی از دانشگاه آزاد اسلامی
سوابق: فعالیت در کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به‌عنوان مربی نقاشی، اجرای نمایش‌های عروسکی در مهدکودک‌ها، کار در مدارس راهنمایی، به‌عنوان مربی هنر، عکاسی تئاتر و برگزاری نمایشگاه عکس تئاتر پاریس، همکاری با صداوسیما، به‌عنوان مجری گروه کودک و نوجوان (عمه‌گلاب)، و فعالیت در موسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا.

۲



ایلیا (محمدحسن) سعادت

بازیگر، کارگردان

تحصیلات: کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشکده‌ی سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دکترای تاریخ هنر از کانتربری آمریکا
سوابق: بازی در نمایش‌های: اوسنه، خوابنامه‌ی مانا، شرنگ، دو رکعت عشق، بازی، تابلو آخر، مرگ در می‌زند، سیرک و...
کارگردانی نمایش‌های: شرنگ دل، پرنده و فیصل، لچک گلی، سرزمین خورشید، مرگ در می‌زند و...
نویسنده‌گی نمایش‌های: کوه ستاره‌ها، پرفسور، سرزمین خورشید، به‌من اعتماد کن، چمدان، سوپ قلوه‌سنگ و...

هیئت
انتخاب بخش
خیابانی و
خردسال

۱



هنگامه مفید

متولد ۱۳۳۵ | تهران

نویسنده، مدرس

سوابق: نویسنده و کارگردان مجموعه‌های: مزرعه‌ی بی‌بی‌خانم، قصه‌های شبانه، آشپز کوچولو، دارا و سارا، سوتک و توتک و...
نویسنده‌ی اشعار، نمایش‌نامه و صدای عروسک: ابر و باد و مه خورشید، داداش و باباش، آب، آب، زندگی و...
بازیگر نمایش‌های: شاپرک‌خانوم، تَرَب، کوتی و موتی، خورشیدخانوم آفتاب کن، حادثه‌ای در شهر، عروسک‌ها...

افسانه ی بچه گرگ استثنائی

کارگردان: رضا عبدالعلی زاده | بخش نوهوان | تهران

بخش مسابقه

نویسنده: حمیدرضا پاسوار
کارگردان: رضا عبدالعلی زاده
بازیگران: علی بیک محمدی، الهام یگانی، میلاد رضانی، مزگان قربانلو، فرح کلانتری ثقفی، سهیلا پورعلی، علاء سیادت، کتابون عبدالعلی زاده
دستیار کارگردان: حمیدرضا پاسوار
دستیار ۲ و برنامه ریز: مریم مدبری
آهنگ ساز: امیر اسلامی
طراح صحنه و پوستر: مهشید خطیری نژاد
طراح لباس و اجرا: زهرا یعقوبی
طراح حرکات: فرح کلانتری ثقفی
طراح کلاه و کفش: زهرا یعقوبی
ساخت کلاه و کفش: زهرا یعقوبی، پروانه علی ضامنی
آواز: سولماز بدری، حمیدرضا پاسوار
خلاصه ی نمایش: در جنگل توسکا، در یک شب زمستانی، رییس گله ی گرگ ها صاحب فرزندی می شود، که یک دست سفید رنگ است. همه امید دارند که در آینده، او رییس گله ی گرگ ها شود، اما...



خدا خوب است

کارگردان: ابراهیم رهمانی | بخش کودک | اصفهان

بخش مسابقه

نویسنده: امید نیاز
کارگردان: ابراهیم رهمانی
بازیگران: اسماعیل سلمانی، مریم کدیور، شکوفه توانگر، مینا رسولی
کیما رهنما، شقایق برومند و شبنم برومند
دستیار کارگردان: اسماعیل سلمانی
منشی صحنه: بهاره کریم زاده
موسیقی: پویا فرهنگ پزوه
هم آوایان: سارا کیوانی، مریم کدیور
طراح لباس: الهه سبزی وند
طراح پوستر و بروشور: شیوا پوریان
طراح حرف الفبا: الهام محزونی
خلاصه ی نمایش: مرضیه دختری است که لکنت زبان دارد و در مدرسه، کوجه و خیابان، از طرف دوستانش مورد تمسخر قرار می گیرد. او در خانه در حال درد و دل کردن با عروسک هایش است، که یکی از آنها...



قصه ی تاج عروس، خاله و خروس

کارگردان: محمدرضا کوهستانی | بخش کودک | قم

بخش مسابقه



نویسنده: محمدرضا کوهستانی
کارگردان: احمد سلیمانی
بازیگران: مجید امیری، سیدحمید لاجوردی، مهدی نیکروش، محمدجواد پیروزی، ماشالله کوهستانی
مشاور کارگردان: حسین فدایی حسین
مدیر اجرا: بهروز نیازمند
مدیر صحنه: فاطمه اعظمی
منشی صحنه: ندا حیدری
موسیقی: محمدرضا کوهستانی، حامد جهان بخش
طراح صحنه و لباس: مهدی نیکروش
طراح پوستر و بروشور: فهیمه علوی نسب
خلاصه ی نمایش: پیرمردهای روستای بالا، برای خواستگاری دختر اوستا الماس راهی روستای پایین شده اند، تا مجلس عروسی او و پسر مشدی سلماس برگزار شود. علی رغم برخی مخالفت های اوستا الماس با این وصلت...

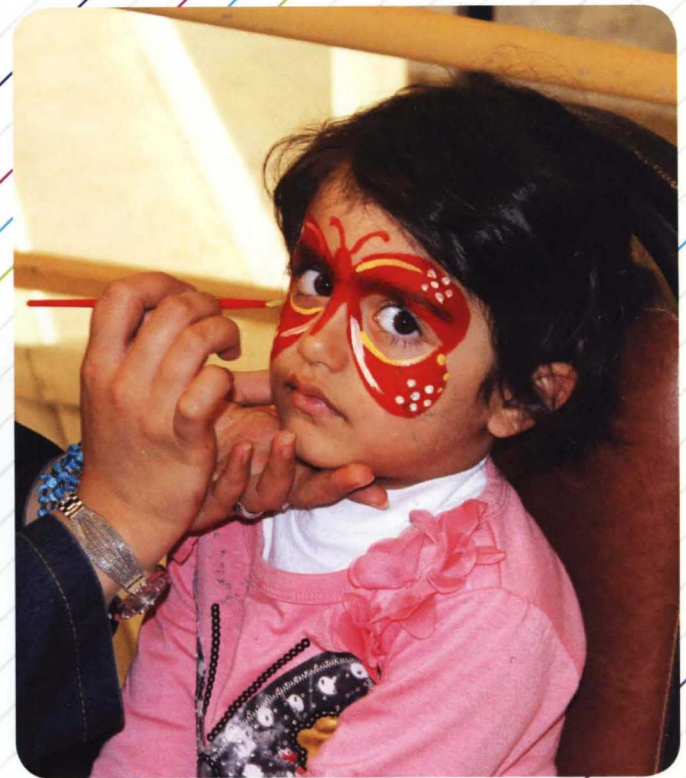
راز دژ کلات

کارگردان: رکسانه عبقری | بخش نوهوان | تهران

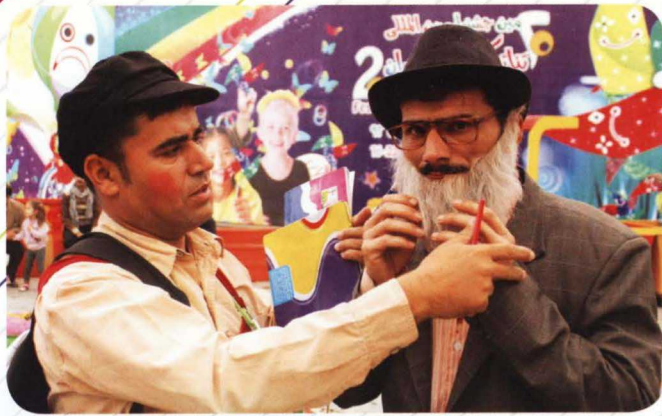
بخش مسابقه

نویسنده: آتسا شاملو
کارگردان: رکسانه عبقری
طراح حرکات موزون: علی رضا دهقانی
طراح لباس، صحنه و ماسک: ماندانا عبقری
طراح پوستر و بروشور: بهنام زهری
طراح گریم: ماندانا عبقری
بازیگران: ماندانا عبقری، محمد نوحیان، علی رضا دهقانی، هرلاند بیگدلی، مریم رادپور
خلاصه ی نمایش: داستان فرود سیاوشان و مادرش جریره، که دختر پیران ویسه ی تورانی است، و حمله ی خسرو و توس به کلات، در مسیر خون خواهی سیاوش.





به روایت عکس





یادداشت

دریچه‌ای به نمایش «نوک طلا»

ببخشید.

بعضی وقت‌ها بد نیست که باز هم بگوییم. هرچند پیش از این بارها گفته باشند و گفته باشیم. این مورد هم از آن مواردی است، که قبلاً گفته و شنیده شده، یک بار دیگر هم می‌گوییم، ببخشید!

آنتونین آرتور می‌گوید: «اگر مردم عادت رفتن به تئاتر را از دست داده‌اند، برای آن است که ما چهارصدسال، یعنی از رنسانس به بعد، معتاد به تئاتر روایی-توصیفی متکی به داستان‌سرایی بوده‌ایم.» خیلی مهم نیست که آرتور درباره‌ی چه نوع تئاتری این‌را گفته باشد. مهم این است که گفته: سال‌هاست که به نوعی از تئاتر، معتاد شده‌ایم. یعنی گرفتار تکرار و یک‌نواختی و کهنه‌گی و واژه‌هایی از این دست شده‌ایم. این یعنی آفت بخش عمده‌ای از تئاتر کودک ما. تئاتری که مدت‌های مدیدی است، در دام داستان‌های جنگلی و حیوانی و رنگ‌ولعاب‌های همیشه دیده‌شده، افتاده است. این یک موضوع است که به خاطر مجال اندک، به سرعت از آن گذشتم. موضوع دیگری که از آن هم به سرعت خواهیم گذشت، این که؛ مخاطب سنجی و سنجش نیاز مخاطب، یکی از دانش‌هایی است که هنرمند هر دوره‌ای، می‌بایست به آن توجه جدی داشته باشد. بیهوده نیست که گفته‌اند: «هنرمند فرزند زمانه‌ی خویش است.» البته فرقی نمی‌کند. اگر عرضه‌کننده‌ی کالایی هستی، باید هم‌گام با شرایط و نیازهای روز مصرف‌کننده‌ات، پایه‌پاشی. و اگر این‌گونه نباشی، باختی. چه، تولیدکننده‌ی کالایی خانگی باشی، و چه آفرینش‌گر نمایش کودک و نوجوان. بایست این سوال خیلی بدیهی و ساده و دم‌دستی، اما جدی، منطقی و علمی را از خودمان بپرسیم؛ آیا با توجه به دگرگونی شرایط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و خانواده‌گی، نیازهای کودک امروز، همانند نیازهای چندین سال پیش است؟ (نمی‌گوییم چندسال پیشی) یا حتی اگر خیلی بخواهیم محتاطانه و محافظه‌کارانه برخورد کنیم؛ حتی اگر نیازهای همان باشد، می‌توان با همان ابزارها و شیوه‌های چندین سال پیش، این نیازها را مرتفع ساخت؟ نمی‌شود. شما هم می‌دانید که نمی‌شود. چرا؟ چون من و شما می‌دانیم که هرچند، سفر نیاز انسان در همه‌ی دوران‌هاست، اما وسیله‌های سفر، از چهارپایان به هواپیماها و قاره‌پیماها رسیده است. پس اگر این را می‌دانیم - که می‌دانیم - چگونه است که فکر می‌کنیم می‌شود برای کودک امروز، با همان مولفه‌ها و ابزارهای چندین سال پیش، نمایش تولید کرد؟ و چرا فکر می‌کنیم کودک مجبور است از ما بپذیرد؟ (می‌دانیم که اشتباه نمی‌کنیم؛ پذیرش، با دست و هورا زدن در پایان یا در خلال موسیقی‌های نمایش، کاملاً فرق می‌کند) البته درست می‌گویید، ما گاهی در نمایش‌ها مان، کودک را مجبور می‌کنیم که بپذیرد. اما مطمئن باشیم که این پذیرش اجباری، راه به جایی نخواهد برد. بله، حق با شماست، کودک امروز هم، محتاج فهمیدن و درک لذت دانایی، مهربانی، نوع‌دوستی و... (همان درونمایه‌های قدیم) است. اما این دلیل نمی‌شود، که نوع روایت و فرمالیزم اثر ما هم، قدیمی باشد. مگر می‌شود با این همه رسانه‌های رنگارنگ و پیش‌رفته، با نمایش‌های چندین سال پیش، جنگل‌ها و موسیقی‌ها و ابزارهای چندین سال پیش، مفاهیم انسانی و احساسی (یا هرچه را که می‌خواهیم)، حتی لذت و شادابی موردنظر را به کودک منتقل کرد. نمی‌شود. اصلاً نمی‌خواهیم، و با این چندسطری که رخصت داده‌اند بنویسیم، نمی‌شود که به نقد نمایش بپردازم. اما در پایان این یادداشت، می‌خواهم بگویم که؛ با همه‌ی احترامی که برای «مهدی قلعه»ی ارجمند عزیز و گروه اجرایی گرامی‌اش قائل‌ام، نمایش «نوک طلا» از گرفتاری‌های بالا رنج می‌برد. چون نشد و خواسته نشد که وارد نقد فرمالیستی اثر (که به نظر من مهم‌ترین گونه‌ی نقد ادبی-هنری است) بشوم، به نقاط ضعف و قوت ساختار متن و اجراء، و عناصر درام هم نمی‌پردازم.

امید که پستی‌بلندی‌های نوشتار را ببخشید. و ببخشید که فرصت نشد به نکات خوب (به‌ویژه بازی روان و یک‌دست بازیگر نقش نوک طلا)، و پیش‌کسوتان ارزشمند این نمایش اشاره کنم. ببخشید.

حسین صفی

مردک مهمی

یادداشت

دریچه‌ای به نمایش «بی چیز»

«تجربه کردن، یورش بردن به دنیای ناشناخته‌هاست». این جمله‌ی طلایی از «جیمز رز اوتز»، نویسنده‌ی کتاب ارزش‌مند تئاتر تجربی است. به هر روی، هرچند برای خلق یک اثر، قدم‌گذاشتن در دنیایی جدید - که پیش‌تر شناختی از آن نداشته - در حکم تجربه است. اما به عقیده‌ی نگارنده، گفته‌ی رز اوتز، تکرار تجربه‌های دیگران را دربر نمی‌گیرد. حتی اگر فرد تجربه‌گر، از آن‌ها آگاه نباشد. و اما نمایش «بی چیز»، در آغاز، چنین می‌نماید که ادای دینی به نظریه‌ی کارگردان شهیر لهستانی، «برژی گروتسکی» است. البته، در ادامه نیز تا حدودی این ذهنیت را تأیید، و در ابعادی هم، از قواعد «تئاتر بی چیز» تخطی می‌کند. داستان نمایش، درباره‌ی یک شخصیت بازی‌های رایانه‌ای (game) در تبت است، که از حدود ۹۰۰ سال قبل، به یک‌باره، وارد زندگی یک جوان - و نه نوجوان - ایرانی می‌شود! در فصل آغازین نمایش، از زبان راوی می‌شنویم که چگونه شوانگ، برای ورود به دنیای آدم‌بزرگ‌ها، میان دو راه پیش رو، کار و عبادت در معبد را انتخاب کرده، و اکنون در آخرین روزهای حضور در معبد، ناگهان با دیواری نامرئی (شیشه‌ی مانیتور کامپیوتر)، روبه‌رو شده، و وارد خانه‌ی اسفندیار (جوان ایرانی) می‌شود... بدون تردید، «بی چیز» در سایه‌ی ذهنی ایده‌پرداز، چه در متن و چه

در اجرا رُشد کرده و پرورانه شده است. مکان بازی، یک مستطیل، و تنها ابزار دست بازیگر، یک تکه پارچه و یک کلاه است. ما به بازی افکت‌ها و هم‌راهی صدایشه‌گان - که از همان مواردی هستند که با اصول و قواعد تئاتر بی چیز، در تقابل‌اند - هرگز جای خالی عناصر دیداری را احساس نمی‌کنیم. جالب‌تر این‌که صدهای صحنه، به تعداد تماشاگران و متناسب با قدرت تجسم و تخیل هر یک، تصاویری متنوع و متفاوت، از مدلول‌های این جلوه‌های شنیداری، به اذهان مخاطبین متبادر می‌سازد، و این، راه را بر تأویل‌های گوناگون می‌گشاید! «بی چیز»، دو جهان کاملاً متفاوت را در روایتی واحد در هم می‌آمیزد. این اتصال اما، به‌زعم عدم تجانس ماهیتی میان دو دنیا، باورپذیر جلوه می‌کند. البته، اگر به‌جای مقدمه‌ی طولانی نمایش، در ارتباط با زنده‌گی شوانگ، سرآغاز مسیر اصلی داستان، که ایجاد چالش میان جهان بازی و دنیای اسفندیار است، سرعت بیش‌تری می‌گرفت، امکان تطبیق و تجزیه و بررسی تقابل‌ها و تفاوت‌ها، میان دو فرهنگ ایرانی و تبتی، ابعاد گسترده‌تری می‌گرفت، و این امر، به انسجام ساختاری اثر می‌افزود.

به هر روی، «بی چیز» اثری خوش‌ساخت، هوش‌مندانه و سرشار از ایده‌های ناب نمایشی است، و اتفاقاً برخلاف نام‌اش، اثری پُرچیز است!!!

یادداشت

دریچه‌ای به نمایش «وقتی رویاهایم را گاز گرفتیم»

نمایش، روایت پسرریجه‌ای را بازگو می‌کند که تمام وقت خود را در خلوت و تنهایی سپری می‌کند. اکنون تنها کسی که به کمک او می‌آید، شخصیت فرعی یک روان‌شناس است، که در برخورد با پسرریجه، به دنبال کمک و ایجاد ارتباطی نزدیک و صمیمی با او است. ورود شخصیت‌های کار تونی به دنیای پسرریجه، او را دگرگون می‌کند و باعث تغییر در رفتار و شخصیت او می‌شود.

نکته‌ی قابل بحث و تامل در این میان، این است که چرا شخصیت اصلی نمایش، شکلی متفاوت و عجیب به خود گرفته است؟ چرا هیچ شخصیتی به مانند او نیست؟ و یا بالعکس؟ بهتر نیست قهرمان نمایش، قوی و مستحکم باشد؟ به این جهت که کودک تماشاگر، می‌خواهد با شخصیتی توانمند و محکم روبه‌رو باشد و با آن ارتباط برقرار کند. درست است که نویسنده می‌خواهد در نهایت، شخصیت را در یک مسیر رُشد و تحول قرار دهد، اما می‌توان تمامی این رفتارها را، در یک قالب درست‌تر، مورد بررسی قرار داد.

نکته‌ی دیگری که بایستی به آن اشاره کرد، اجرایی خلاق و هدف‌مند است، که در قدرت طراحی صحنه می‌توان به آن اشاره کرد. طراحی صحنه‌ی کار، به شکل خلاقانه‌ی وظیفه‌ی خود را انجام می‌دهد و در خدمت اثر است. طراحی نور و لباس هم، از دیگر عوامل مثبت و قابل تامل نمایش هستند، که با کلیت کار هم‌خوانی درستی دارند. البته در بخش ایجاد ارتباط میان عوامل صحنه - مانند بازیگران - با هم و با کلیت کار، ماجرا چیز دیگری است، و یک‌نوع شلوغی و آشفتگی در کار به چشم می‌خورد. روایت نمایش، تا اواسط کار خوب پیش می‌رود، اما در نهایت، به قدری سریع نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد، که لایه‌های دراماتیک و نمایشی کار، پنهان می‌ماند. در کل، بایستی گفت که گروه نمایشی مروض است، با اجرایی خوب و توانمند، در ایجاد ارتباط با مخاطب خود موفق عمل می‌کند، و گواه این حرف، برقراری ارتباط صمیمی و نزدیک مخاطب با نمایش است. امید که در سال‌های آتی، شاهد اجرایی موفق‌تری از این گروه باشیم.

نیما پیگلریان

یادداشت

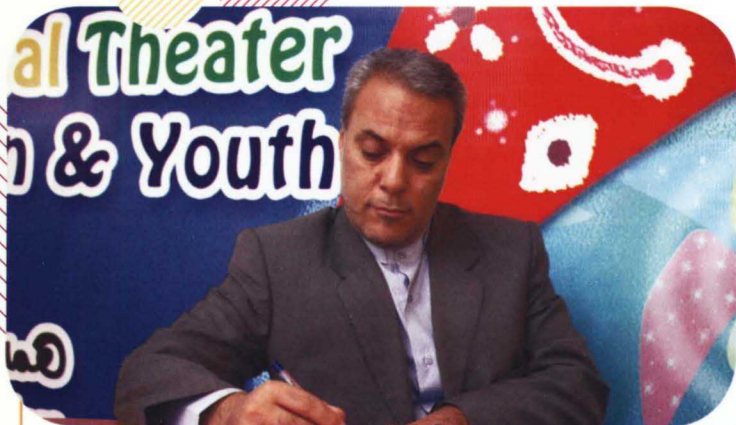
دریچه‌ای به نمایش «طبل بزرگ»

شیرینی سرکه از زغاله... از همان بدو ورود به سالن، به‌راحتی می‌توان فهمید که با نمایشی مواجه هستی، که همه چیزش ساده و خودمانی است؛ هم‌چون یک میهمانی خانوادگی. نمایش با خیمه‌شب‌بازی و عروسک‌نخی مبارک آغاز می‌شود؛ با همان تنبک مُرشد و صغیر مبارک. اما در ادامه، ورق برمی‌گردد و نمایش با یک آشنایی‌زادگی حساب‌شده، مخاطب را به‌وجود می‌آورد و ناگهان، به‌تعبیر مادر بزرگ‌ها، آخر زمان می‌شود و زن‌ها در هیبت مردان، و مردان در لباس زنان، روی صحنه ظاهر می‌شوند. و همین پارادوکس جنسیتی، باعث خلق موقعیت‌های دراماتیک و جذابی می‌شود؛ زن‌ها صدا ضخیم می‌کنند و مردان عشوه‌گری. خطوط قرمزی که تا پیش از این وجود داشت، می‌شکند، و تنها شخصیت سیاه (مبارک) در جای خود باقی می‌ماند، که آن هم به‌خاطر خانم بودن بازیگر نقش، تا حدودی خط قرمزهایی را به همراه می‌آورد، که نمی‌شود آن‌ها را شکست. به‌همین خاطر، ما با سیاه پاستوریزه‌ی روبه‌رو هستیم، که با وجود تلاش‌های بازیگر این نقش، در

نهایت با یک سیاه مودب و سربه‌زیر مواجه می‌شویم. در مجموع، شیوه‌ی اجرایی بر متن سوار است، و کاستی‌های متن را تا حدودی می‌پوشاند. متن نمایش علی‌رغم رعایت اصول نمایش‌نامه‌نویسی، دارای تعلیق مناسب و لازم نیست، و مخاطب پیش‌تر به‌خاطر شیوه‌ی اجرا، با نمایش همراه است، نه به‌خاطر داستان نمایش. بازی بازیگران، همه‌گی یک‌دست و جذاب است، و هر یک به‌درستی تیپ موردنظر را درک کرده و به اجرا در آورده‌اند. بازی‌ها تعدی غلو شده، اما به دور از لوده‌گی، لحظاتی به‌یادماندنی را خلق می‌کنند، که در این بین، بازی سامان کریمی، تحسین برانگیز بود.

تبدیل عروسک مبارک به انسان، بدون هرگونه زمینه‌ی لازم دراماتیک صورت می‌گیرد، که مجتبی مهدی، نه در موقع نگارش و نه در موقع اجرا، به آن نپرداخته است. موسیقی نمایش نیز نتوانسته به حداقل وظیفه‌اش که هماهنگی بین سازهاست، عمل کند، و همین موضوع، از نقاط ضعف نمایش محسوب می‌شود. در کل، می‌توان نمایش «طبل بزرگ» را نمایشی موفق در اجرا به حساب آورد.

فواد ابراهیمیان



کمیته ی جنبی

■ مسئول کمیته: علی مرادی نور

■ فعالیت ها:

هماهنگی و مکاتبه جهت عقد قرارداد، در خصوص راه اندازی دو فقره کارناوال شادی (اتوبوس و کامیون) از تاریخ ۹۲/۷/۱۶ تا ۹۲/۷/۲۴ طبق مسیره های مشخص
هماهنگی لازم برای برپایی نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در مجتمع های آوینی و بوعلی (۲۴ تا ۳۰ مهر)
هماهنگی لازم برای برپایی غرفه ی عرضه ی محصولات فرهنگی، در مجتمع شهید آوینی (۲۴ تا ۳۰ مهر)
هماهنگی با گروه های نمایشی شهرستان، برای اجرای نمایش خیابانی در ده نقطه ی شهر، به صورت هم زمان، در تاریخ ۹۲/۷/۲۴ ساعت ۱۵ بعد از ظهر
هماهنگی با دو واحد کانون تبلیغاتی، جهت توزیع اقلام و بسته های فرهنگی-تبلیغی در روزهای برگزاری جشنواره
هماهنگی با کانون تبلیغاتی «آسان غرب» برای پخش تراکت جشنواره توسط هواپیما، در تاریخ ۹۲/۷/۱۹ در همایش پیاده روی
هماهنگی با بهزیستی و مراکز نگهداری بیماران خاص (کودکان)، جهت عیادت و دلجویی در تاریخ ۹۲/۷/۲۱
هماهنگی و صدور مجوز، برای اجرای جنگ شادی در تاریخ ۹۲/۷/۱۷، به عنوان شروع جشنواره، در کمیته ی جنبی و در سالن اجتماعات بوعلی سینا
حضور در دفتر کمیته ی جنبی و شرکت در کلیه ی جلسات

■ همکاران:

مقصود قاسمی: جانشین مسئول کمیته، و هماهنگ کننده
بهرام رجیبی: کارشناس نمایش و مسئول هماهنگی کارناوال های شادی
مهدی بیات: کارشناس هنری و مسئول هماهنگی اجراهای خیابانی، در ده نقطه ی شهر و نمایشگاه های کتاب
خانم لیلا مهشادی: مسئول دفتر کمیته ی جنبی و روابط عمومی کمیته
محمد قاسمی هنر: مسئول بازرسی از فعالیت های کمیته، در طول مدت اجرا
محرم علی بهادری: مسئول هماهنگی غرفه ی عرضه ی محصولات فرهنگی

■ مرادی نور:

خدا را سپاس گزاریم، که توفیق داد در سال ۹۲ هم، به همت و تلاش هم کاران خود در آداری کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، میزبان بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان باشیم. بر کسی پوشیده نیست، که فعالیت در زمینه های کودک و نوجوان، کاری دشوار و بسیار حساس است، علی الخصوص با زبان هنر، که گویاترین زبان بشر در طول دوران های گذشته و حال بوده است. لذا می طلبید که مجموعه ی هم کاران و هنرمندان، با دقت و حوصله و توان مضاعف، بکوشند تا این مهم را به بهترین وجه و زیباترین بیان، با زبان هنر به کودک و نوجوان ارائه نمایند. در همین راستا، کمیته ی جنبی، تمام توان خود را در این ایام به کار خواهد بست، تا هرآن چه که شایسته ی فرزندان این مرز و بوم است، به نمایش بگذارد و از هیچ کوششی در هر چه باشکوه تر برگزار شدن بیستمین جشنواره، فروگذار نخواهد کرد، تا قشنگ ترین خاطرات در ذهن تمام هنرمندان و هنردوستان و میهمانان این زخداد فرهنگی استان، نقش ببندد، انشالله...



کمیته ی تشریفات

■ مسئول کمیته: محمدرضا زرکش

■ فعالیت ها:

استقبال از میهمانان جشنواره در بدو ورود به شهر همدان
اسکان و پذیرایی میهمانان از بدو ورود آن ها به هتل، و راهنمایی آن ها و پاسخ گویی به سئوالات، اشکالات و مشکلات میهمانان
هماهنگی و انجام امور ایاب و ذهاب میهمانان، از هتل به سالن های نمایش، و برگشت آن ها به هتل، و همچنین انتقال وسایل گروه های نمایشی به سالن ها و برگشت آن ها
آشنایی میهمانان با جاذبه های گردشگری استان، به خصوص شهر همدان، و تحویل CD گردشگری و نقشه هایی در این خصوص، به دو زبان فارسی و انگلیسی به میهمانان و ایجاد امکانات تسهیلاتی، جهت تور گردشگری به غار علیصدر، همچنین بازدید از آرامگاه بوعلی سینا، باباطاهر، عین القضاة، مکان های تاریخی تپه ی هگمتانه، گنجنامه و باغ موزه ی دفاع مقدس، همچنین ایجاد امکاناتی جهت بازدید میهمانان خارجی، از بازارها و سایر نقاط شهر همدان
آشنایی میهمانان با امور کلی جشنواره و مقررات آن، از طریق تحویل آیین نامه ی میهمانان به آن ها، به دو زبان فارسی و انگلیسی
امور مربوط به سلامتی، و در صورت نیاز، معرفی میهمانان به بیمارستان هایی که هماهنگ شده تپه ی پکیج، به تعداد میهمانان
پی گیری امور مربوط به صدور بلیط (هواپیما، اتوبوس، سواری)، با هماهنگی مرکز هنرهای نمایشی پیگیری و انجام قرارداد رزرو هتل
تهیه ی وسایل رفاهی میهمانان و انجام امور آن ها
پی گیری امور مربوط به ساخت یادمان جشنواره

■ همکاران:

مسئول کمیته: محمدرضا زرکش
معاون و مسئول امور میهمانان: هادی شیرمحمدی
مسئول جانمایی میهمانان: سعید دوستی
مسئول امور استقبال و متصدی جانمایی: خانم حبیبی
مسئول گردشگری: لیلا درویشی
مسئول شیفت شب: حبیبی... عرفی یگانه
مسئول انبار و پکیج میهمانان: عبدالملکی
مسئول توزیع بلیط سالن ها: حامد یکتا
مسئول امور نقلیه: حمیدرضا شمس الهی

با هنرمندان

فریبا یعقوبلو

■ فعال تئاتر کودک

اصولاً هنرمندانی که در زمینه ی نمایش های کودک فعالیت می کنند، باید از دنیای فانتزی خاصی برخوردار باشند. و برای کشف قوانین هنری جدید، باید در ارتباط بلندمدت با کودکان، از نیازهای درونی جهان آن ها آگاه شده، متناسب با خواست و نیازشان، نمایش هایی را به صحنه ببرند. دنیای کودکی، رنگ هایی دارد که شاید ما بزرگ ترها با آن آشنا نیستیم. نوجوانان و خردسالان هم همین طور. هر کدام آن ها، از دریچه ی نگاه و تفکر خود، دنیای پیرامون شان را می بینند، می سنجند، و از آن انتظاراتی را دارند. وظیفه ی اصحاب هنر در این زمینه، بسیار خطیر و مهم است. زیرا تا شناخت و ارتباط میان دنیای آن ها و هنرمند برقرار نشود، اصولاً کارها و نمایش ها به مذاق آن ها خوش نمی آید، و نتیجه این می شود که ما بزرگ ترها، با ترازوی نگاه خودمان، نمایش ها را می سنجم. فارغ از این که دید و نگاه خردسالان، کودکان و نوجوانان، گونه های دیگر است. شاید در حقیقت ما این نمایش ها را برای خودمان به صحنه می برسیم و به و چه چه می کنیم؟ که کارمان چنین است و چنان. غافل از این که... با امید به نگاهی دقیق تر و کارشناسانه تر، به دنیای پُر رمز و راز خردسالان، کودکان و نوجوانان.

سعید باغبانی

■ پیش کسوت تئاتر استان

یاد روزهای خوب کودکی و آن بازی های محلی و سنتی در محله ها به خیر، روزهایی که با شور و شوق کودکانه، با دوستان و بچه محل ها به بازی و شادی می پرداختیم. نمایش «کوچولوی بدقول» را با الهام از پدر یکی از بچه های هم سن و سال خود نوشتم. که بدقولی او و پدرش را به همین شکل می دیدم. باشد که بتوانیم با اجرای این نمایش، قدمی در راه تئاتر کودک و نوجوان برداشته باشیم.



Introducing the children theater in Germany by Mr. Gordon Vajen



In the third day of 20th International Theater for the Children and Youth which was held in Hamadan, Mr. Gordon Vajen presented a work shop and discussed about the children theatre in Germany. He declared that in Germany and generally speaking in many countries theater can be divided into two main groups. In the first group the performances are produced to entertain the children so the producers are to make money and they focus only on the fanatical aspect of their works. These amusing performances are funny and interesting to the children but they lack of content so they don't carry any message or lesson to the children. Another type of performances is just produced to train children so the ideal of the producer is to teach the children. These performances carry a lesson or message so the content of these training performances

is much highlighted to the producers. Mr. Vajen believes that a good performance must consider both of these matters because content and form are important prerequisites to produce an effective and attractive performance for the children. He mentioned that an ideal performance interact with the children emotionally. Our emotions like fear, love, and anger... stem from our childhood and these emotions are constant during our life time so passing of the time and different conditions cannot change our emotions. He said that directors must rely on their pure emotions and thoughts to choose the desired theme for their performances and all of the actors, designers, writers... must understand and respect this emotion. By this mutual interaction an effective and attractive performance will be produced.

Funny Fransi

Theater Troupe Company: Poppentheater Frans Hakkemars

Director: Joanne Oussoren

Playwright: Frans Hakkemars

Cast: Frans Hakkemars, Joanne Oussoren

Set Designer: Frans Van Der Horst

Costume Designer: Ine Keitz

Music Composer: Bart Sweets

Puppet Designer: Frans Hakkemars and Ine Keitz

Sound: Bart Sweets and Frans Hakkemars

Light: daylight

Holland

Synopsis: Funny Fransi will stay with Aunt Corrie with a very large suitcase. What's in the suitcase? This performance is a narrative performance about staying, sleeping and dreaming, with songs and puppets on the hands and feet. Funny Fransi is full of imagination and interaction with the audience, under the guidance of an accordion.